



خیال و واقعیت سیاسی

سعید حجاریان، تحلیلگر سیاسی یادداشتش را که در وبسایت مشق نو منتشر شده، با این سوال شروع کرده است: «آیا رابطه‌ای معنادار و مؤثر میان «اندیشه» و «عمل» وجود دارد و یا این که این دو منفصل از یکدیگر عمل می‌کنند؟» و در ادامه با بیان اینکه «گمان می‌کنم بحث درباره این پرسش و احیاناً پاسخ به آن بخشی از مسائل پیش‌روی سیاست‌ورزی و تصمیم‌سازی در سیاست را روشن خواهد کرد.» به طرح موضوع پاسخ به آن پرداخته است: «طبیعتاً، پاسخ ابتدایی به پرسش فوق این خواهد بود که اندیشه است که عمل را جهت می‌دهد و آن را پدید می‌آورد. یعنی ابتدا اندیشه‌ورزی صورت می‌گیرد، سپس آن اندیشه به‌محک آزمون گذارده می‌شود، و نهایتاً عملی که انتظار است، نتیجه می‌شود. مثلاً آهنگری را در نظر بگیرید که قصد می‌کند کلنگی بسازد. او ابتدا در تصور خویش صورتی خیالی از کلنگ ترسیم می‌کند و بنا به تجربه‌اش کوره را داغ می‌کند و آهنی را در درون آن قرار می‌دهد. سپس، با هر ضربه چکش، می‌گوید: آهن من، نرم شو! از هم دوتا شو! با خیال من یکی تر زندگانی کن! ضربات را پیوسته ادامه می‌دهد تا جایی که ذهنیت‌اش ردای عمل ببوشت. همین کار را سیاست‌ورز نیز انجام می‌دهد که در این صورت به رابطه خیال و عمل وی می‌گوییم، رابطه «تئوری» و «پراتیک». اندیشه‌ها معمولاً از سنخ تفکر، طراحی، ایدئولوژی، جزم و امثال ذلک هستند. عمل نیز از جنس واقعیت برساخته، ایجاد هنجار، تربیت و... است. حال با توجه به این تعاریف و درهم آمیختگی‌ها آیا می‌توان گفت که تئوری همه چیز است و پراتیک هیچ چیز، و یا بالعکس پراتیک همه چیز است و تئوری هیچ چیز؟ زمانی ما تو تصمیم گرفت ذهن و خیال خود را به واقعیت تحمیل کند. او ذیل پروژه کلان «ابرقدرت شدن» تولید بالغ بر ۱۱ میلیون تن فولاد را در سال ۱۹۵۸ هدف قرار داد؛ پروژه‌ای ناممکن. اما او ذهنیت را بر عینیت ترجیح داد و بعد از محرز شدن ناتوانی کارگاه‌های تولید فولاد، اظهار داشت که کوره‌های تولید فولاد در حیاط خلوت خانه‌ها برپا شود. (برای مطالعه بیشتر، رک: چنگ و هالیدی، ۱۳۹۲: ص ۶۷۷-۶۷۹) این پروژه خیال محور نفتنها خسارت آفرین بود بلکه چین را از فرصت‌های دیگر محروم ساخت. البته، خیال‌محوری ما تو محصور در کشور چین نبود، و گاه، به نسخه‌پیچی‌های جامعی نیز ختم می‌شد. او زمانی تفسیر خود را از آغاز و پایان یک جنگ تمام‌عیار اتمی این گونه ارائه داد: «اجازه دهید در این مورد بیندیشیم که اگر جنگی آغاز شود چه تعدادی خواهند مُرد. جمعیت جهان حدود ۷/۲ میلیارد است. در یک جنگ جهانی حدود یک‌سوم، یا کمی بیشتر حدود یک‌دوم خواهند مُرد... من می‌گویم فرض کنیم افراطی‌ترین حالت رخ بدهد و نیمی بمیرند و نیمی زنده بمانند؛ اما در این صورت امپریالیسم با خاک یکسان، و کل جهان سوسیالیست خواهد شد.» (همان، ص ۶۴۷). حجاریان با اشاره به این داستان‌ها تصریح کرد: «بعضی اوقات اما جرمیات به‌حدی بر اندیشه مستولی می‌شود که اصحاب قدرت می‌گویند: «واقعیات با تئوری‌های ما همخوان نیستند، لذا به‌حال واقعیات!» این شیوه نگاه در رویکرد استالین نسبت به «مزارع اشتراکی» و نیز اقدامات هیتلر در برابر یهودیان مشهود است. به این مسئله از زاویه اپوزیسیون هم می‌توان نگریست. مثلاً در نمونه ایران به‌خاطر دارم در ابتدای انقلاب تعدادی از اعضای کنفدراسیون به ایران آمده بودند. آن‌ها بنا بود سازمانی را برای وحدت کمونیست‌ها راه‌اندازی کنند. روزی یک نفر از آن‌ها سوار تاکسی شده و گفته بود: من را به میدان وحدت کمونیست‌ها برسان! یعنی تصویری بیش از واقعیت داشت می‌پنداشت میدانی به‌نام آن‌ها تأیید شده است و حتی ساختمانی دارند. مانند مقطع انقلاب که گروهی در باره نحوه مبارزه با شاه در خارج از کشور بحث نظری می‌کردند بی‌آنکه توجه داشته باشند مردم در کف خیابان‌های ایران دست به اسلحه هستند. این طرز تفکر در قیام سربرداران هم برجسته بود. در زمان حاضر نیز بعضی در مرحله نظریه‌یافتی متوقف مانده‌اند.» وی در پایان نیز آورده است: «گاهی اوقات نیز، گروه‌هایی در میانه پوزیسیون و اپوزیسیون قائل به نقش آفرینی می‌شوند بی‌آنکه به نسبت صحیح میان «تئوری» و «پراتیک» توجه کنند. اینان، از یک‌سو به‌دلیل درک ناکافی از ساخت قدرت از عمل سیاسی در می‌مانند و به کشش گران لحظه‌ای بدل می‌شوند، و از سوی دیگر به‌واسطه تئوری‌زدگی به تجویزهای فرازمانی و فرامکانی روی می‌آورند تا ناخودآگاه، ذهن و خیال را بر واقعیات چیره می‌گردانند. باری، می‌خواهم نتیجه بگیرم رابطه عمل و تئوری همواره رابطه‌ای دیالکتیکی است. یعنی تئوری عمل را تصحیح می‌کند و عمل، تئوری را و ضروری است هر دوی به موازات یکدیگر پیش بروند. به‌ویژه در عالم سیاست که تأمل و بازاندیشی مدام از جمله ارکان اساسی محسوب می‌شود.»

استاننداری با چالش بسیار در انتصابات

بررسی روی کار آمدن دولت وفاق و انتخاب **مسعود امامی یگانه** به عنوان استاندار اردبیل



منصوره محمدی
خبرنگار گروه سیاسی

گفته می‌شود نفوذ اعضای ستادی پزشکیان در استان اردبیل ملموس است؛ ستاد انتخاباتی پزشکیان در استان اردبیل لیست ۱۳ نفره‌ای تهیه کرد و به دست اسکندر مومنی، وزیر کشور رساند؛ هر چند که در بین اعضای ستاد استان اینگونه مطرح شده بود که در ستاد مرکزی در تهران تلاش بر این است تا چهره‌ای غیربومی در استان‌هایی همچون اردبیل به این سمت برسد اما در نهایت مسعود امامی یگانه، یکی از اسامی لیست ۱۳ نفره به‌عنوان استاندار انتخاب شد. در ماجرای انتخاب امامی یگانه به استانداری اردبیل، حاشیه‌هایی مبنی بر دخالت امام جمعه اردبیل در این انتخاب بر سر زبان‌ها افتاد؛ تا جایی که سیدحسن عاملی با صدور اطلاعیه‌ای به ادعاهای مطرح‌شده واکنش نشان داد و گفت که هیچ دخالتی در انتخاب استاندار ندارد و با هر کسی که هیئت تحقیق انتخاب کند همکاری خواهد داشت و تأکید کرد: «مسئولیت استان با کسی است که استاندار را انتخاب



نگار: ایرنا

مرتضی طهماسب‌پور فعال سیاسی اصلاح طلب استان اردبیل:

استاندار جدید ارتباط احزاب مختلف با استانداری را بهبود بخشید

«با توجه به اینکه استان اردبیل از نظر قومیتی با مسائلی روبه‌رو است، استاندار جدید چگونه توانستند این موضوع را مدیریت کنند؟ آیا توانستند از قومیت‌های مختلف در انتصابات استفاده کنند؟

اگر منظور شما شمال و جنوب استان است، بله هم فرمانداری‌ها از نیروهای بومی خودشان استفاده کردند و هم در سازمان‌ها این اتفاق رخ داده است.

«فضای عمومی استان از زمانی که استاندار جدید روی کار آمده با توجه به عملکردی که داشتند چه تغییری کرده است؟

فضای سیاسی استان پیش از دولت چهاردهم اسفناک بود، در آن دوران احزاب مخالف را کنار گذاشته بودند و اصلاً ارتباطی با بدنه مدیریتی نداشتند اما الان احزاب و جبهه‌ها فعال شدند و جبهه اصلاحات فعالیت خود را دوباره در اردبیل از سر گرفته است، فعالیت احزاب اصولگرا هم که همچون گذشته ادامه دارد. روزی که آقای امامی یگانه معارفه شدند تقریباً اکثر فعالان سیاسی اصلاح طلب در برنامه حضور داشتند و این جای امیدواری بود و امیدواریم استاندار هم فضا را برای فعالیت همه احزاب باز کنند. برخلاف دوران گذشته که فضا بسته بود الان فضای سیاسی بازتر و مثبت شده است و مدیران پذیرای افراد هستند.

«عملکرد اجرایی استاندار اردبیل را در این مدت چطور ارزیابی می‌کنید؟ چه کارهای اجرایی انجام داده‌اند؟

بعد از اینکه ایشان استاندار شدند، هیئت‌مدیره مناطق آزاد تشکیل شد. در خصوص منطقه ویژه اقتصادی نیز پیگیر احیای مجدد آن شدند. در چند نقطه پروژه‌های سرمایه‌گذاری را آغاز کردند و حضور خوبی در نمایشگاه اکسپو داشتند و یک تیم منسجم مستقر کردند. در خصوص تسریع روند سرمایه‌گذاری نیز در استانداری کارگروه جدیدی تشکیل دادند و ارزیابی بازار را انجام می‌دهند. آقای یگانه به همراه رئیس‌جمهور به آذربایجان هم رفتند و انشالله قول تردد در زمینی مرز را نیز گرفتند.

انتصاب‌های ایشان بیشتر پیرامون افرادی که نزدیک به دولت و از حامیان آقای پزشکیان هستند رقم خورده است. از سوی دیگر حمایت از جوانان در انتصاب‌های ایشان بارز است. در خصوص مدیران و رؤسای سازمان‌ها نیز به نسبت خوب عمل کردند و سعی کردند حامیان دولت و گزینه‌های ستاد را در تیم خود به کار بگیرند و در مجموع باید گفت که گزینه‌های انتخابی آقای یگانه همراه دولت هستند.

«از چهاردهم‌های اصولگرا و جریان‌های دیگر در کابینه استانی خود استفاده کرده‌اند؟

خیر. البته یک نفر؛ مدیرکل ارشاد دولت سیزدهم در سمت خود ابقا شد که ایشان نیز در بین جریان‌های اصلاح طلب به عنوان چهره تندرو شناخته نمی‌شود و می‌توان وی را جزو نیروهای وفاق در این دوره حساب کرد.

«چرا مدیرکل ارشاد دولت سیزدهم را در جای خود ابقا کردند؟ البته ایشان جزو گزینه‌های پیشنهادی بودند، اما با توجه به اینکه جزو فعالان فرهنگی استان هستند و چهره سیاسی نیستند و در حوزه کتاب و نویسندگی نیز فعالیت داشته‌اند، همین دلیل‌بی بوده که منجر به ابقای مجدد ایشان شده است.



مرتضی طهماسب‌پور، فعال سیاسی اصلاح طلب استان اردبیل در گفت‌وگو با هم‌میهن می‌گوید استاندار جدید اردبیل وفادار به دولت چهاردهم است و حضور نیروهای ستادی آقای پزشکیان در کابینه استانی وی حاکی از این وفاداری است.

«عملکرد استاندار اردبیل را از زمانی که روی کار آمده‌اند چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آقای یگانه عملکرد مثبتی داشتند، ایشان جزو اعضای ستاد پزشکیان در استان اردبیل بودند و مدیریت ستاد مردمی را بر عهده داشتند. از آنجایی که یک فرد اصلاح طلب است که سابقه فعالیت دانشجویی هم داشته، از طرفی هم در حوزه مرتبط فعالیت کرده‌اند و سابقه فرمانداری و معاونت در استانداری را هم در کارنامه کاری خود دارند، انتخاب بسیار مناسبی برای استان ما هستند. همراهی وی با دولت نیز کاملاً مشخص است، چراکه نیروهایی که استفاده می‌کنند همسو با رویکرد دولت هستند و فعلاً توانسته‌اند رضایت عمومی را کسب کنند.

«انتصاب‌هایی که استاندار جدید تاکنون در استانداری داشتند را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ناصر برزگر فعال سیاسی مستقل:

استاندار دین خود را به یاران ستادی پزشکیان ادا کرد

ناصر برزگر، فعال سیاسی و رسانه‌ای مستقل در استان اردبیل در گفت‌وگو با هم‌میهن، معتقد است استاندار اردبیل عملکرد خوبی داشته، متعهد به دولتی است که از آن برآمده، اما راه سختی در پیش دارد.

«از زمان روی کار آمدن امامی یگانه به عنوان استاندار اردبیل در دولت چهاردهم بیش از شش ماه می‌گذرد، عملکرد وی را در این مدت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از زمانی که آقای امامی یگانه به عنوان استاندار اردبیل منصوب شدند، تحولات بسیار زیادی انجام شده است که البته در بازه‌های زمانی مختلفی رخ داد. در اوایل روی کار آمدن ایشان پوست‌اندازی مقطعی در برخی از حوزه‌های مدیریتی رخ داد چراکه نیروهای دولت قبل بر سر کار بودند اما بحث انتصابات زمان برده است و برای برخی سمت‌ها برای نمونه در چند اداره کلیدی هنوز اقدامی انجام نداده‌اند. همچنین در انتخاب فرماندارها و بخشدارها تازه ورود کردند و دارند اقدام می‌کنند و بخشدارهای بسیاری از شهرستان‌ها هم هنوز انتخاب نشده‌اند. فرماندارها هم در سطح سرپرست تعیین شده‌اند و مشغول کار هستند. در حوزه مدیران کل متأسفانه هنوز و بعد از گذشت چند ماه تغییرات شروع نشده است، در حالی که در دولت قبلی طی چند ماه تغییرات مدیریتی انجام شده بود. در واقع الان بلاتکلیفی در سیستم‌های اداری موج می‌زند و تازه بعد از چند ماه تغییرات در حال رخ دادن است، برای نمونه چند روز پیش سه رئیس دانشگاه را یکجا عوض کرد.

اتفاقاً دو سه مدیر از دولت قبلی هم ابقا شدند. فعلاً اصولگراها از عملکرد استاندار راضی هستند. اجازه بدهید این نکته را شفاف کنم؛ در استان اردبیل هشتادوپنج درصد مردم به آقای پزشکیان رای دادند و برخی مدیرانی که قبلاً با جناح اصولگرا در بدنه مدیریتی استان مشغول بودند در واقع به نوعی حامی یا وادار گفتمان دکتر پزشکیان در این دوره هستند؛ اینکه الان تغییرات دیر رخ می‌دهد به همین دلیل است که در واقع گرایش جناحی بسیاری از اینها قبلاً همین بوده است، اما به لحاظ برخی از شرایط با تغییرات سیستم باقی مانده‌اند و حالا با تغییر دولت باز هم فعالیت می‌کنند.

«فضای سیاسی عمومی استان با روی کار آمدن استاندار جدید و عملکردهای ایشان چه تغییری کرده است؟

با توجه به اینکه جبهه قالب در استان از جبهه اصلاحات بوده است، طبیعتاً کسانی که می‌خواهند در این سیستم کار کنند از ایشان تعریف می‌کنند. در اردبیل در هنگام انتخابات دوسه جناح فعالیت داشتند. برای نمونه ستاد مردمی، ستاد جوانان و ستاد مرکزی و حالا که می‌خواهند پست بگیرند با همدیگر در کلانتر هستند و استاندار اگر بخواد بر اساس روال خود و حضوری که در ستاد مردمی داشته تصمیم بگیرد، ممکن است سایر فعالان ستاد دکتر پزشکیان ناراضی شوند و هنوز در بین ستادهای مختلف پزشکیان در استان عدم هماهنگی‌هایی وجود دارد اما در نهایت هم از میان همین ستادها یک نفر انتخاب می‌شود. به نظر می‌رسد که یک سیستم تکراری در حال مستقر شدن است؛ برای مثال فرماندار دولت آقای روحانی پست مدیریتی گرفته است و با مدیرکل دولت آقای روحانی این بار در یک اداره دیگر مدیرکل خواهد بود، در حالی که شاید در آن مقطع عملکرد قابل قبولی هم نداشته است. در واقع افرادی در دولت روحانی هم هستند که حالا در این دولت و با حضور این استاندار در حال جابه‌جا شدن در پست‌های مدیریتی هستند.

«آیا امامی یگانه اقتدار کمتری نسبت به دیگر استانداران دارد که هنوز نتوانسته تیم مدیریتی خود را تکمیل کند؟

نه، امامی یگانه هم همان اقتدار دیگر استانداران را دارد. در دوره قبلی استاندار ما از